

و علی که کافل تحقیق کیفیت و رسم طریق تحصیل این سعادت  
 عظمی باشد اسم علوم و انفع آن تواند بود و آن حکمت عملیت  
 که حکما از طب روحانی خوانند چه جز آن حفظ اعتدال خلقی  
 بر نفس کامله توان نمود که نیز حفظ صحت است بدن را  
 و همان رو فوس ناقصه با اعتدال توان کرد که نیز دفع  
 مرض است بدان راه ملکات رویه امراض نفسانی اند  
 و تعضیل مقام انست که شرف مرعلی یا بنیاس موضوع است  
 یا بجلالت غایه و منفعت یا بواقف بر مان و محبت  
 و این علم انجبات ثلث بزید اختصاص مخصوص است  
 چه بوضع اوفس ناطق انست از آنچه که افعال عمل  
 و محمود با بیج و مذموم بحسب رویه و ارادت از او صادر  
 تواند شد و شرف نفس انسانی از سابق سخنان  
 معلوم شد و غایه او از کمال حسن بن جوهری شریف و چه  
 منفعت زیاده از آنکه توسط آن نفس انسانی را که در

کتابخانه دانشگاه تهران

بسی و سببی بگراونی از آن باشد بر مرتبه اعلی از ملک رسانند  
 و لذا بعضی اکابر از اسیر اعظم خوانند اند چه اخترن موجودات  
 که انسان ناقص است بسبب آن مبر تر رسد که از شرف  
 موجودات باشد و بنا برین است که قداما حکما که بر حکمت  
 از انوا شکوه نبوت اقتباس نموده بوده اند طالب فضیلت  
 را اول بعلم تمذیب اخلاق ارشاد فرموده اند بعد از آن  
 بعلم منطق یا ریاضی بعد از آن بطبیعی بعد از آن با فلسفه  
 و حکیم ابوعلی سکوت تقدیم ریاضی بر منطق فرموده و این  
 طریق اول نسبت چه بواسطه مهارت ریاضی نفس متوجه  
 بعین شود بلکه استقامت و متانت در او حاصل گردد  
 و تقریر بیان تکلف و تحقیق و تعسف و تدقیق شعار او شود  
 و اکثر مشغلمان بتطبیق بی التفات بطرفی از ریاضی بعکس  
 این صفات موسوم اند بلکه کمال در شغف و جدال دانند  
 و نهایت تحقیق ایراد مغالطه یا بدانشکی شمرند و از این جهت